

## چند غلط لغوی و املائی نوظهور

### ۱. خواسته

چندی است که در روزنامه‌های طهران و نطقهای بعضی از نمایندگان مجلس کلمه **خواسته** در معنی اراده و درخواست و مطالبه و تقاضا استعمال میشود مثلاً مینویسند یا میگویند که «خواسته‌های ملت ایران چنین و چنان است» و بقیاس و گمان اینکه چون مصدر خواستن بمعنی اراده کردن و تقاضا و مطالبه و درخواست نمودن است پس خواسته هم که بزعم ایشان از همین مصدر مشتق است باید متضمن همان معانی باشد. این قیاس و گمان ظاهراً باطل است چه علاوه بر اینکه معانی لغات قیاسی نیست بلکه سماعی و توقیفی است هیچ معلوم نیست که خواسته از مصدر خواستن اشتقاق یافته باشد و در صورتیکه چنین هم باشد گاهی بین معنی يك مشتق و معنی ریشه اصلی آن ادنی مناسبتی وجود ندارد و یا اینکه ما از روی ظاهر کلمه‌ای حکم میکنیم که آن از فلان مصدر و ریشه مشتق شده در صورتیکه این حکم ما سطحی و قیاس ما فقط قیاسی عامیانه است.

بعنوان مثال دو کلمه «سفته» و «رسته» را شاهد میآوریم. سفته بضم سین بمعنی مالی است که کسی بوعده باید بدیگری پردازد یا سندی که در وجه آن بطلبکار بسپارد. این کلمه بظاهر اسم مفعول از مصدر سفتن است که معنی سوراخ کردن را دارد ولی در معنی هیچ تناسبی بین سفته مذکور و سفتن نیست و اگر هم واقعاً در ایام قدیم مثلاً در زبان پهلوی سفته از ریشه سفتن مشتق شده بوده است امروز پی بردن بقرینه‌ای که در اصل این دو کلمه را از لحاظ معنی بیکدیگر می‌پیوسته برای ما مشکل است. همچنین رسته بفتح راء بمعنی قسمتی از بازار و دکان است که دريك صف باشند (همان که در عربی «رزدق» می‌گفته‌اند و هنوز بتعبیر عامیانه راسته بازار می‌گویند). این کلمه هم بظاهر چنین مینماید که از مصدر رستن بمعنی خلاص شدن و نجات

یافتن اشتقاق یافته باشد در صورتیکه امروز بین معنی آن دو کوچکترین قرابت و مناسبتی نیست .

خواسته را تا آنجا که نگارنده اطلاع دارم هیچوقت هیچکس در زبان فارسی بعد از اسلام بآن معانی نوظهور که امروز بآن میدهند استعمال نکرده و اصلاً چنانکه یادآور شدیم معلوم نیست که واقعاً این کلمه از مصدر خواستن بمعنی اراده و مطالبه و تقاضا کردن مشتق باشد . خواسته در زبان فارسی منحصرأ بمعنی مال و متاع است .  
منطقی رازی از شعرای آل بویه میگوید :

کرا هنر بفرزاید چرا بکاهد مال      اگر نه زین دویکی هست بر حکیم حرام  
مگر ستاره دانش که اوقتا نخست      ابر مقابله خواسته گرفت مقام  
شهید بلخی از شعرای سامانیان میفرماید :

دانش و خواسته است نر کس و گل      کسه بیک جای نشکفند بهم  
هر که را خواسته است دانش نیست      و آن که را دانش است خواسته کم  
عسجدی گفته :

یا بیند با گشاید یا ستاند یادهد      تا جهان بر پای باشد شاه را این یاد کار  
آنچه بستاند ولایت آنچه بدهد خواسته      آنچه بندد پای دشمن آنچه بگشاید حصار  
فردوسی فرموده :

دلی کز خرد گردد آراسته      یکی گنج باشد پر از خواسته  
غرض از ذکر این امثله آنست که همه فصحای ما «خواستہ» را فقط در معنی مال و متاع و دارائی استعمال کرده اند . استعمالی که جدیداً از این لغت در معانی تقاضا و مطالبه و درخواست میشود بکلی رکبک و قیاسی صرفاً عامیانه است و بهمین جهت باید از آن احتراز جست .

### ۲ و ۳ - ظهران و عبادان

ظهران بفتح ظاء مؤلف نام بندر نفت خیز عربستان سعودی است بر کنار خلیج فارس در ساحل قسمت الحسا که این اواخر بملت اهمیت یافتن استخراج نفت در حوالی آن و صدور آن بخارج از این قسمت بتوسط شرکت نفت عربستان و امریکا (آرامکو)

بتوسط امریکائیا آبادی و اعتبار بسیار یافته و علاوه بر این فرودگاه هوایی آن از مراکز ارتباط عمده در ساحل خلیج فارس شده است .

در این محل از قدیم قریه‌ای بهمین نام موجود بوده و اسم آن بعین این املا در معجم البلدان یا قوت حموی و سایر مؤلفات جغرافیون اسلامی هست .

مستشرقین اروپائی بنا بر قرائی که بین خود گذاشته‌اند ظاء مؤلف را در نقل بالفبای خود به Dh مینمایند و بهمین قاعده طهران را هم Dhahràn مینویسند . مترجمین ما ندانسته در ترجمه اخبار و نوشته‌های انگلیسی آنرا دهران خوانده و بهمین شکل در میان عامه بیخبر منتشر ساخته‌اند و نزدیکست که بر اثر بلای نفت طهران نیز حکم عبادان مارا پیدا کند یعنی همچنانکه همین گونه مترجمین نفهمیده عبادان را که انگلیسیها از راه اضطرار با ملای Abadan مینوشتند بتصور اینکه اصلا فارسی است آبادان کردند و عاقبت از کثرت استعمال بهمین شکل هم معمول و رایج شد ، طهران هم در میان ما دهران شود در صورتیکه خود عرب طهران مینویسند .

بمناسبت ذکر عبادان میگوئیم که این جزیره که ایرانیان آنرا بمناسبت وقوع بین دو رودخانه « میان رودان » میگفتند از خیلی قدیم باین اسم موسوم بوده و آن منسوب است بعباد نامی و الف و نون آن الف و نون مکانی است یعنی مکان منسوب بعباد مثل کرمانشاهان منسوب بکرمانشاه و زیادان یعنی مکان منسوب بزباد و بلالان یعنی مکان منسوب ببالال .

در قرون اولیه اسلام چون آبادی عبادان در این جزیره آخرین آبادی قبل از مصب شط العرب در خلیج فارس بوده است عرب بوجه مثل میگفتند . « لیسَ وِراءَ عبادان قریةً » یعنی بعد از عبادان دیگر قریه‌ای وجود ندارد و همین مثل است که منوچهری دریکی از قصاید خود آورده و گفته :

از فراز همت او نیست جای نیست آن سوتر ز عبادان دهی

یا قوت حموی در وصف عبادان میگوید که : « در این جزیره که بین دو رودخانه قرار گرفته مزارات و خانقاه‌های چندی است ، سرزمینی است بی قیمت و شوره زار و خیر

و برکتی در آن وجود ندارد. البته در عهد باقوت هیچ کس نمیتوانست حدس بزند که این جزیره بی قیمت چگونه بعدها مرکز بزرگترین تصفیه خانه‌های دنیا خواهد شد و چه خیر و برکت عظیمی از آنجا سرچشمه خواهد گرفت.

#### ۴. آقا جری

آقا جری نام عمومی چند طایفه از ایلات ترك و فارس و لراست که در اطراف شهر بهبهان ساکنند و چون ناحیه‌ای که مسکن ایشانست اسم خاصی ندارد آنجا را هم آقا جری میخوانند و در همین ناحیه است که چشمه‌هائی از نفت وجود دارد.

آقا جری کلمه‌ایست ترکی مرکب از دو لغت «آقاج» یعنی چوب و شاخ درخت و «ار» یعنی مردم و چون افراد این طوایف خانه‌های خود را از شاخ و برگ درختان میسازند ایشانرا عموماً بدون تشخیص نژاد و تیره باین اسم موسوم کرده‌اند.

مترجمین جدید ما بدون توجه باینکه این کلمه از کجا آمده و در کتب ما آنرا بچه املا مینوشته‌اند در نقل آن از انگلیسی بفارسی آنرا آقا جاری کرده‌اند و روزی ندست که این لغت را بهمین املائی غلط درجراید فارسی نینیم.

پرونده علوم انسانی و مطالعات تربیتی

از یادداشت‌های مرحوم فرهاد میرزا

#### وفات قآنی

حکیم فاضل حکیم قآنی المسمی بمیرزا حبیب شیرازی روز ۴ شنبه پنجم شعبان ۱۲۷۰ در طهران مرحوم شد.

#### وفات فروغی

اواخر محرم الحرام ۱۲۷۴ هجری میرزا طاهر دیباچه نگار و فروغی شاعر مرحوم شدند.